



مصر در جنگال جیابولگران اقتصادی

رهبر مسلمانان تونس که دیروز پس از 22 سال تبعید به وطن خود بازگشت در مقاله‌ای به بررسی انتخابات فرمایشی در مصر و فسادهای حکومت مبارک پرداخت و مصر را به غنیمتی جنگی تشبیه کرد که مفسدان ظرف چندین سال پول هنگفتی به چنگ زده‌اند.

رهبر مسلمانان تونس که دیروز پس از 22 سال تبعید به وطن خود بازگشت در مقاله‌ای به بررسی انتخابات فرمایشی در مصر و فسادهای حکومت مبارک پرداخت و مصر را به غنیمتی جنگی تشبیه کرد که مفسدان ظرف چندین سال پول هنگفتی به چنگ زده‌اند.

به گزارش فارس، پایگاه خبری الجزیره در گزارشی به قلم "راشد الغنوشي" ضمن پرداختن به انتخابات اخیر مصر و اقدامات رئیس جمهور این کشور در تلاش برای موروثی کردن قدرت، به بررسی رویکرد گروه‌های این کشور در این برهه از تاریخ مصر و نیز اقدام حاکمیت در طرد کامل اخوان المسلمون از عرصه سیاسی در مصر می‌پردازد.

*** انتخابات آزاد و سالم از مهم‌ترین شاخصه‌های نظام دموکراتیک است**

الغنوشي در مقاله خود آورده است که انتخابات آزاد و سالم از مهم‌ترین شاخصه‌های نظام دموکراتیک است و در نوع خود بهترین وسیله‌ای است که عقل از آن برای ساخت دولتی بر پایه اراده ملت بهره می‌گیرد که در آن با معرفی نخبگان به شکل دوره‌های امکان تجدید دولت از طریق رقابتی سالم فراهم می‌شود.

اگر انتخابات، بارزترین سازوکار و نشانه نظام دموکراتیک مدرن باشد، کل این نظام را شامل نمی‌شود، بلکه به عنوان جزئی از یک کل، جزئی از یک سیستم عمومی خواهد بود که مجموعه‌ای از فرصت‌ها را در استفاده از رسانه میان رقیبان فراهم می‌آورد و مثلاً حزب حاکم آن را احتکار نمی‌کند، این سازوکار استقلال قضائی را تضمین، توافق میان رقبا را بر اساس یک سری قواعد عملی مانند سازوکار و قوانین حاکم بر انتخابات تنظیم می‌نماید تا بدین ترتیب حزب حاکم به تنهایی این ساز و کارها و قوانین را وضع نکند.

*** غالب دولت‌های عربی طی 50 سال گذشته تبدیل به نظامی دیکتاتور شده‌اند**

اگر با استمرار این وضع قدرت در قبضه جریان حاکم باقی بماند، گریزی از پذیرش خالی بودن این عملیات سیاسی از هرگونه محتوای دموکراتیک نیست؛ بدین ترتیب حتی با نقاب دروغینی از دموکراسی، شاهد یک حکومت دیکتاتوری طاغوتی مستبد صرف خواهیم بود و این وضعی است که از دیکتاتوری قبل هم بدتر است، چرا که نفاق بدتر از کفر بوده و خطر دشمن ظاهر کمتر از دشمن در نقاب دوست است.

غالب دولت‌های عربی طی 50 سال گذشته از نظام دموکراتیک جزء تبدیل به نظام دیکتاتوری شده‌اند که یک حزب و بلکه یک شخص در آن حکومت می‌کند و تعدد ظاهری کاندیداها آن تنها یک ماسک، بر روی همان فسادهای پیشین است که وظیفه اصلی آن تضمین مشروعیت ظاهری است.

*** رژیم مبارک باعث ملغی شدن نظارت قضائی جزئی در روند انتخابات شده است**

حال باید دید موضع‌گیری حکومت مصر در قبال این روند چیست؟ حکومت مصر الگویی عربی از حرکت به سمت نظام سلطنتی در پوشش دموکراسی است؛ انتخابات مجلس قانون‌گذاری اخیر، تعبیر روشنی از این نوع حرکت است و این روند به تعبیر روزنامه‌نگار گاردین در اول دسامبر "مسخره"، "مضحک" و به نوعی "مصیبت‌بار" است؛ آیا حزبی در جهان باقی مانده که با فعالیت در قالب سیستمی تک‌تک‌گرا به موفقیتی 95 درصدی دست یابد و از روشنفکران جامعه کسانی را پیدا کند که از روی خلوص و با این نسبت و یکپارچگی فرآیند حاصل از آن دفاع کنند؟

به اعتقاد نویسنده این یک سقوط دهشتناک همراه با تمسخر و مصیبت است. آنچه از جانب این حکومت متقلب رخ داد، خیلی هم غیرمنتظره نبود. حزب حاکم مشخصه‌های روشنی از خود نشان داده که نشان از عزم اکید و جدی این رژیم در بکارگیری و نابودی مابقی حیات نظام و حکومت است؛ تا جائیکه با اقدام به تلفیقات قانونی، باعث ملغی شدن نظارت و نگرهبانی قضائی جزئی در روند انتخابات شده و کلیه عملیات انتخاباتی از جمله نظارت بر برگه‌های انتخاباتی و حتی شمارش آراء را نیز بر عهده دستگاه‌های امنیتی و اداری خود نهاده است.

*** مبارک دیگر ابایی از شفاف‌گویی سیاسی و ارتکاب گناه در ملاء عام ندارد**

حکومت مصر چند روز پیش از انتخابات مجلس دست به قلع و قمع رسانه‌ای زد تا از این راه صداهای مخالف را بخواباند؛ مسئله بسیار روشن است که رویکرد حکومت ارتکاب و انجام تقلب است، آن هم نه در اتاق‌های تاریک بلکه کار را به مقابل دوربین کشانده که

نشان از آن است که دیگر ابایی از شفاف‌گویی سیاسی و ارتکاب گناه در ملاء عام ندارد. آیا لازم است حکومت برای بقای خود دست به تقلب زده و اراده رقیبان را به چالش بکشد و تا این حد افکار عمومی را به شهادت بگیرد؟ آیا اکثریت 51 درصدی یا یک سومی برای ادامه و بقای طرح‌های حکومت کافی نبود؟ اگرچه نظام‌های دیکتاتوری همگی مغرور و وظیفه‌نشانند اما روشن است که این سطح از تکبر و نادیده گرفتن سایرین از سوی حکومت ناشی از این اندیشه و احساس است که حزب حاکم می‌تواند با گذار از این امتحان سرنوشت‌ساز خطر وجودی در مورد بقای خود را کم و نادیده می‌گیرد و با پدیده به چالش کشاندن فرعون مقابله کند.

*حکومت مصر در چنگال چپاولگران اقتصادی

فرعون پدر با چهره‌های شبیه مردگان از اتاق تشریح بیرون آمد درحالی‌که مصمم بود میراث سلطنت را به فرعون پسر منتقل کند. اما در نظام مصر با تمامی قوانین آن، قانونی برای انتقال آسان حکومت وجود ندارد، لذا جایی برای توجه به آراء مشوش مجلس آینده که عهده‌دار انجام این مأموریت است وجود ندارد؛ حال در این میان دیگران هرچه می‌خواهند بگویند. اضافه بر این حکومت مصر تبدیل به غنیمتی جنگی در چنگال گربه‌های چاق و فربه شده است، ثروتمندانی که تنها ظرف چند سال بنام خصوصی‌سازی و بازسازی ساختار اقتصادی، ثروت عمومی و اندوخته چند ده ساله ملت را، آن هم زیر نظر سازمان‌های غارتگر بین‌المللی به چنگ آوردند. بدترین تصویر فساد حکومت جمع شدن سلطنت حکومتی در کنار سلطنت پولی و مالی است و این همان چیزی است که امپراطوران مافیایی احزاب را بر آن داشت که کرسی‌های مجلس را نزدیک‌ترین راه در ذخیره ثروت، دفاع از آن و حفاظت خود در برابر تبعات آن ببینند، آن هم در کشوری که هنوز نبض قضایی آن می‌زند.

*بکارگیری مفهوم "اپوزیسیون" در مورد نظام مصر يك اشتباه بزرگ است

چگونه می‌توان جلوی این مافیا را در رسیدن به کرسی‌های پارلمان گرفت؟ اگر شمار این افراد بیش از کرسی‌های پارلمان باشد، چگونه می‌توان مجال را برای مخالفان باز گذاشت؟ حتی بالاتر از این چگونه می‌توان بدون راه انداختن جنگی که منتهی به قتل شود، زمینه را برای رقابت میان آنها بازگذاشت؟ این‌ها مسائلی است که به شکلی بی‌سابقه به وجود آمده‌اند. ما با باندهایی طرف هستیم که دولت را ربوده، ملت را به گروگان گرفته و همگان را تبدیل به غلام و برده کرده‌اند، اوضاع سایر نظام‌های عربی نیز به همین صورت است. نویسنده در ادامه گزارش خود به بررسی عملکرد مخالفان در شرایط کنونی پرداخته و می‌نویسد: اگر نسبت به استفاده از کلمات دقیق باشیم، هنگام صحبت از نظام‌های عربی و در صدر آنها مصر، بکارگیری مفهوم "اپوزیسیون" يك اشتباه بزرگ است؛ چرا که این کلمه از ارکان اساسی و ماهیت نظام دموکراتیک به‌شمار می‌آید که بدون آن نظام دموکراتیک شکل نمی‌گیرد، تا جائیکه در نظام دموکراتیک رهبر اپوزیسیون در موقعیتی قرار دارد که به وی اجازه داده می‌شود دیدارهای متناوبی با رهبر حزب حاکم برگزار کند و ضمن اطلاع از مسائل مهم با هم به مشورت بنشینند.

*اپوزیسیون اصلی در مصر حزب اخوان المسلمون است

در حالیکه در نظام‌های غیردموکراتیک، حزب حاکم اگر اپوزیسیون را ریشه کن نکند، این حق را برای خود می‌بیند که آنها را منزوی یا تبعید نماید و بگونه‌ای با آن معامله کند که گویی يك پرونده امنیتی مانند مواد مخدر و حتی خطرناکتر از آن است. در بهترین حالت (مانند اوضاع کنونی مصر) گاهی با چشم‌پوشی و گاهی نیز به شیوه سرکوب با آنها برخورد می‌شود تا سخنی از اپوزیسیون اصلی یعنی حزب ممنوعه اخوان المسلمون گفته نشود.

زمانیکه ما در چنین نظامی از احزاب اپوزیسیون سخن می‌گوییم، هم خود گمراه شده‌ایم و هم دیگران را گمراه کرده‌ایم، هم دچار توهم شده‌ایم، هم دیگران را به توهم می‌اندازیم. ما چه به صورت قانونی یا اجرایی از طریق انتخابات است که در حکومت مشارکت می‌کنیم و نام آن را هم اعتدال و میانه‌روی در مقابل غلبه و حتی تشدد می‌گذاریم. این مسأله می‌تواند منجر به تغییرات مورد نظر ما در تبدیل سبک خودکامه‌تجار به دموکراسی شود؛ یعنی نظامی در خدمت مردم و نه برعکس، نظامی که برای آنها امنیت را در برابر گرسنگی و ترس فراهم می‌آورد؛ ما غلبه را رد و نام این کار را میانه‌روی می‌گذاریم.

*مصر برای بهبود اوضاع نیاز به اصلاحات از طریق مشارکت دارد

تجربه مشارکت احزاب اسلامی و غیراسلامی در این قبیل نظام‌ها نشان می‌دهد احزاب نتوانسته‌اند طبیعت این قبیل نظام‌ها را تغییر دهند و در بیشتر کشورها اگر هم تبدیل به شاهدان دروغین نشده باشند، به عقب نشسته و گاهاً از هم می‌پاشند. وظیفه صندوق‌های رأی تغییر نظام و سیستم نیست بلکه تغییر در درون اتفاق می‌افتد، آن هم زمانیکه دموکراسی قابل اصلاح بوده و نخبگان جامعه بتوانند بر روی يك الگو به توافق رسیده و با کمک روش‌هایی خاص به گونه‌ای عمل کنند که تبادل قدرت میان آنها صورت بگیرد و سطح درگیری‌ها از صرف غالب و مغلوب به يك سطح سیاسی سالم برسد؛ این دستاورد نظام دموکراتیک است که باید به دست بیاید. ایده ایجاد تغییرات در مصر طی سال‌های اخیر از سوی جمعی از نخبگان مطرح شد؛ این افراد به سطحی از آگاهی رسیدند که دریافتند

برای متوقف ساختن سیر نزولي مصر، قرار گرفتن این کشور در مسیر رشد صحیح، بهبود اوضاع، خارج شدن از حالت جبر و حاشیه‌سازی، نیاز شدیدی به اصلاحات از طریق مشارکت دارد که این مهم با شعار تغییر ممکن خواهد بود.

***وظیفه نخبگان مصري نجات مردم از چنگ باندهای غارت است**

جنبش الکفایه متشکل از شماری از نخبگان جسور از تمامی طیف‌ها بود که طی سال اخیر و به‌ویژه بعد از بازگشت دکتر البرادعی و جمع شدن نیروهای جوان و جدید به گرد وی تبدیل به جمعیت ملی تغییر شد. پیوستن اخوان المسلمون به این جنبش نیز يك اتفاق بزرگ بود که با توجه به وزن و اثرگذاری بالای اخوان طرح تغییری که راکد مانده بود، از نو زنده شد. نارضایتی و دلخوری نظام حاکم از محور جدیدی که فراتر از درگیری‌های دوجانبه میان اخوان، ناصری‌ها، لائیک‌ها، مسلمین و قبطی‌ها شکل گرفته، کاملاً مشخص بود. وظیفه کنونی رقابت بر سر غنائم و تقسیم قدرت نیست، چرا که این غنیمت‌ها بر حسب طبیعتش غیرقابل تقسیم است، بلکه وظیفه کنونی نجات ملت و مردم و آزادسازی اراده ملی از چنگ باندهای غارت و نیز بسیج تمامی نیروها در زمینه شهروندی و برابری حقوق و تکالیف است.

موضع‌گیری نسبت به انتخابات که جمعیت تغییر به آن یورش برد يك امتحان بود که در ایستادگی مقابل آن شکست خورد و این منطق سود و زیان بود که پیروز شد. زمانیکه برخی طرف‌های کوچک اعلام تحریم کردند، اخوان نیز اعلام کرد در صورت تحریم از سوی همگان موضع تحریم خود را اعلام خواهد کرد، به محض اینکه جریان الوفا، مشارکت خود را اعلام کرد، همه متوجه شدند که معامله‌ای علیه اخوان المسلمون صورت گرفته تا جایی آنها را به‌عنوان رهبری اپوزیسیون در مجلس بگیرند، اخوان المسلمون اعلام مشارکت کرد.

***سهم اخوان المسلمون در رسوایی حکومت مبارک**

البته صرف مشارکت گروه‌ها در انتخابات برای آنها خالی از منفعت نیست، چرا که زندگی همیشه خیر یا شر کامل نیست؛ انتخابات بویژه برای جنبش‌های ممنوعه فرصتی بود تا خود را اثبات و به مردمی که از آن محروم شده‌اند برسد؛ هر چند وجود اخوان و عموم اسلام‌گراها، دیگر نیازی به شهادت دیگران ندارد و تولد و مرگ این جنبش‌ها از خارج محقق نمی‌شود.

حکومت دیکتاتوری همواره مشروعیت قانونی نداشته و نیاز دارد تا يك جنبش اسلام‌گرا که حقیقتاً بهترین و صادقانه‌ترین الگوی ملت است، آن را به رسمیت بشناسد. اخوان المسلمون اشتباه نکردند که پنداشتند مشارکت آنها سهم بسزایی در رسوایی حکومت و رو کردن حقیقت آن داشته است؛ اما مشارکت اخوان با این هدف صورت نگرفت بلکه هدف این گروه دستیابی به شماری از کرسی‌های پارلمان حتی اگر کمتر از قبل باشد، بود. در واقع اگر اخوان به درصد بالایی از کرسی‌ها نیز دست می‌یافتند، نمی‌توانستند چیزی از سیاست‌های کلی داخلی و خارجی نظام را تغییر دهند.

بیهوده است اگر بگوییم که حکومت استبدادی قابل تقسیم است، چرا که به تعبیر ابن خلدون طبیعت سلطنت رو به فردیت دارد و چیزی جز مطالبه‌گری قوی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد.

علت دور کردن اخوان آن هم با این حدت و شدت در چیست؟ هیچ کس از کسانی که از حجم و گستردگی اخوان و نیز عمق و امتداد آن اطلاع دارند، از جادوگران فرعون باور نمی‌کنند که محبوبیت این حزب رو به زوال است؛ اینان بر این باورند که حزب به‌ویژه طی سال‌های اخیر با تمامی حیاتی که توانسته به مجلس و فعالیت‌های آن ببخشد با بدست گرفتن رهبری اپوزیسیون مجلس دچار فروپاشی شده است، البته اعضای جماعت اخوان المسلمون باید از مهندسان طرح انزوای خود متشکر باشد که آنها را در حرکت به سوی تغییر در مصر کمک کرد، چرا که راندن اخوان تا بدین حد اگر چه آنها را به سمت خشونت نمی‌کشاند اما با همه تلخی و اهانت صورت گرفته خشم خود را فرو می‌خورند و این همان چیزی است که عملکرد اخوان را برای حضور و تغییر، نزد افکار عمومی بهتر می‌سازد و دیگر شیوخ نمی‌توانند حماسه جوانان را تحقیر و از ترس ناشی از آن بکاهند.

***جایگاه متمایز مصر در میان کشورهای عربی**

اگر حکومت نیمی از کرسی‌های مجلس یا کمتر از آن را در اختیار اخوان قرار می‌داد، می‌توانست جنبش جوانان را به بازی بگیرد و آن را مهار کند. پس علت این اقدام حکومت چیست؟ حماقت یا حق‌السلطنتی که به سران ضد اسلام و ضمانت حمایت آنها از موروثی شدن حکومت پرداخت شده است؟ همه اینها ممکن است.

الغونشی در پایان گزارش خود آورده است: این مضحکه انتخاباتی سبب شد زمینه برای جمع‌آوری نیرو در پشت طرح جبهه ملی که اهداف ملی‌گرایانه مردمی را دنبال می‌کند و وجدان و دغدغه انسان مصري را خطاب قرار می‌دهد فراهم شود، به‌ویژه از حمایت بخش‌های روستایی و بسیاری از مناطقی که از سیاست‌های موجود، سیاست معیشت و سیاست امنیت ملی در قبال حمایت از نیروهای مقاومت فلسطین و ... متضرر شده‌اند.

با تمام اهمیتی که سرزمین‌های عربی و اسلامی دارند، اما مصر در میان ملت‌ها از مکانی متمایز برخوردار است؛ بگونه‌ای که توجه عموم به سمت این کشور است و از پس تاریکی نوید فجر و طلوعی جدید را می‌بیند که قادر است موازنه قدرت منطقه و جهان را به نفع ملت‌ها تنظیم نماید.